



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

گروه رشته علوم اجتماعی

## بررسی انتقادی ظرفیت‌های روش‌شناسی علوم اجتماعی مدرن در تحقق جامعه‌شناسی دینی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته علوم اجتماعی گرایش فلسفه علوم اجتماعی

نام دانشجو:

علی فتوتیان

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علیرضا پیروزمند

شهریور 1392



## چکیده<sup>۱</sup>

این پایان نامه پس از تعریف کلیات، رویکردها<sup>۲</sup> و مکاتب نظری موجود در علوم اجتماعی مدرن را بررسی می‌کند و از کثرت و تعدد این نظریات تحت لوای چهارپارادایم اثباتی<sup>۳</sup>، تفسیری، انتقادی و رئالیسم انتقادی سخن می‌گوید. هر دیدگاهی و پارادایمی با توجه به اصول و مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، روش‌شناسی بنیادینی را می‌طلبد که منجر به تولید نظریه و استفاده از منطق و روش تحقیق متناسب با خود خواهد شد. در ادامه وحدت فلسفی تمامی این رویکردها را نشان داده می‌شود که از آن با عنوان سوپزکتیویسم و نگاه ریاضی به عالم می‌توان یاد کرد و نوعی اصالت روشی متناسب با آن. علت این امر آن بود که متذکر شویم نگاه انتقادی ما یک نگاه انتقادی مرسوم و رایج به سبک تحلیلی نیست چرا که این نوع انتقاد به وسیله‌ی غربیان و به دست خود آن‌ها بنا به مصالح تمدنی و خودآگاهی بیشتر نسبت به خود در امکان تاریخی‌شان صورت می‌گیرد و اصولاً برای نیل به تمدن قدسی باید تجدد و مدرنیته را از زاویه‌ای متفاوت با بنیان‌هایش بررسی کرد. در ادامه عقلانیت دینی و نیاز به بازسازی آن با نگاهی به پیشینه‌ی تاریخی آن بررسی می‌شود و نشان داده می‌شود که عقلانیت دینی در مبنایی‌ترین حالات هم نسبت متضاد و متباین با همتای مدرن خود دارد یعنی اولاً نگاه سوپزکتیو به عالم را نمی‌پذیرد و ثانیاً نگاه ریاضی‌وار به عالم را به معنای به نظم درآوردن همه‌چیز برای تصرف در نگاهی از پیش تعیین شده را نمی‌پذیرد. در ادامه بررسی اجمال از دین و خاستگاه آن و الزامات جامعه‌شناسی دینی در ذیل عقلانیت دینی سخن گفته می‌شود و سپس نتیجه گرفته می‌شود که روش‌های علوم اجتماعی مدرن در سه‌لایه‌ی پذیرش پیش‌فرض‌های دینی و تولید نظریه‌های پیرامون آن و در صحت بخشی به این فرضیه‌ها یعنی تبدیل نظریه به فرضیه نارسایی دارد در نهایت به معرفی انقلاب اسلامی و حقیقت قدسی این انقلاب به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی می‌پردازیم که نوید بازگشت و بازسازی نوعی تفکر متمایز و رقیب نسبت به عالم مدرن را خواهد داد و ادامه‌ی رویکرد شناختی این نهاد به دوش حوزه‌ی علمیه‌ی تشیع به عنوان نهاد اجتماعی اصیل آن است.

---

1 Abstract

2 Approach

3 Positivism



این رساله چون سعی به پرداختن ماهیت متد دارد لذا از متد رایج در علوم استفاده نکرده است بلکه بیشتر به روش توصیفی و تشریحی برای بررسی پارادایم ها و احیاناً از روش قیاسی برهانی برای نتیجه‌گیری خود استفاده خواهد نمود .

**واژگان کلیدی:** روش، روش‌شناسی، علوم اجتماعی مدرن و پارادایم‌های آن، مدرنیته، دین و عقلانیت دینی، الزامات تحقق جامعه‌شناسی مدرن، انقلاب اسلامی، حوزه‌ی علمیه‌ی تشیع

## فهرست مطالب

1	فصل 1: طرح تفصیلی.....
2	1.1 بیان مسئله .....
4	2.1 اهمیت و فایده تحقیق .....
5	1.3 سابقه تحقیق .....
5	1.4 اهداف تحقیق .....
6	1.5 سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق .....
7	1.6 چارچوب مفهومی تحقیق .....
8	1.7 فرضیه‌های تحقیق .....
8	1.8 پیش فرض‌های تحقیق.....
8	1.9 روش انجام تحقیق: .....
8	1.10 سازماندهی تحقیق: .....
9	1.10.1 کلیات: .....
8	1.10.2 روش شناسی علوم اجتماعی مدرن: .....
8	1.10.3 بررسی هندسه‌ی معرفتی علوم اجتماعی مدرن و جایگاه روش در آن: .....
8	1.10.4 بررسی نارسایی روش(های) روش شناسی علوم اجتماعی مدرن در تولید جامعه شناسی دینی:.....
11	فصل 2: کلیات .....
12	2.1 مقدمه .....
12	2.2 روش .....
16	2.2.1 رابطه روش و شناخت .....



17	2.2.2. تعریف هستی‌شناسی
18	2.3. روش شناسی
21	2.4. مدرنیته
25	2.5. علوم اجتماعی مدرن
26	2.6. روش شناسی علوم اجتماعی مدرن
27	2.7. منظور از بررسی انتقادی ظرفیت روش شناسی‌های علوم اجتماعی مدرن
28	2.8. الزامات جامعه‌شناسی دینی و چیستی اولیه‌ی آن
فصل 3: روش‌شناسی علوم اجتماعی مدرن. Error! Bookmark not defined.	
31	3.1. مقدمه
3.2. پارادایم اثباتی. Error! Bookmark not defined.	
1.2.3. اصول و مبادی پوزیتیویستی. Error! Bookmark not defined.	
34	1.1.2.3. مبادی هستی‌شناختی
1.1.1.2.3. اثبات‌گرایی منطقی. Error! Bookmark not defined.	
39	2.1.2.3. مبادی معرفت‌شناختی
41	3.1.2.3. روش‌شناسی بنیادین
44	1.3.1.2.3. علیت و قوانین علمی
46	4.1.2.3. ماهیت تبیین و پیش‌بینی در علوم اجتماعی
51	5.1.2.3. رویکردهای نظری مبتنی بر روش‌شناسی اثباتی
52	1.5.1.2.3. کارکردگرایی
55	2.5.1.2.3. ساختارگرایی
56	3.5.1.2.3. نظریه انتخاب عقلانی
57	4.5.1.2.3. نظریه مبادله



59	..... 5.5.1.2.3 سستیزگرایی
61	..... 6.1.2.3 روش شناسی کاربردی
61	..... 1.6.1.2.3 رویکرد کمی تحقیق
Error! Bookmark not defined.	..... 3.3 پارادایم هرمنوتیک
72	..... 1.3.3 شلایر ماهر
75	..... 2.3.3 درویزن
72	..... 3.3.3 دپلتای
79	..... 4.3.3 هرمنوتیک تحلیلی و افکار پیتر وینچ
81	..... 5.3.3 هوسرل و رویکرد پدیدارشناسی
84	..... 4.3 اصول و مبادی پارادایم هرمنوتیک
84	..... 1.4.3 مبادی هستی شناسی
86	..... 2.4.3 مبادی معرفت شناسی
87	..... 3.4.3 روش شناسی بنیادین
89	..... 4.4.3 رویکردهای نظری مبتنی بر روش شناسی هرمنوتیک
90	..... 1.4.4.3 کنش متقابل نمادین
93	..... 2.4.4.3 جامعه شناسی پدیدارشناسی
96	..... 3.4.4.3 جامعه شناسی مردم نگارانه
97	..... 1.3.4.4.3 مفاهیم مطرح در روش شناسی مردمی
98	..... 4.4.4.3 روش شناسی کاربردی
100	..... 1.4.4.4.3 پایه های نظری روش شناسی کیفی
102	..... 2.4.4.4.3 معرفی چند ویژگی از رویکرد تحقیق کیفی
106	..... 3.4.4.4.3 اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی

108	4.4.4.4.3 نمونه گیری در تحقیق کیفی
109	4.3 پارادایم انتقادی
116	1.4.3 کانت
117	2.4.3 هگل
118	5.3 اصول و مبادی پارادایم انتقادی
118	1.5.3 مبادی هستی شناختی
119	2.5.3 مبادی معرفت شناختی
118	3.5.3 مبادی هستی شناختی
122	3.5.3 روش شناسی بنیادین
123	4.5.3 رویکردها و مکاتب نظری مبتنی بر روش شناسی انتقادی
124	1.4.5.3 افکار یورگن هابرماس
127	2.4.5.3 نظریات فمینیستی
129	5.5.3 روش شناسی کاربردی
130	6.3 پارادایم رئالیسم انتقادی
131	1.6.3 توضیح چند اصطلاح از رئالیسم انتقادی
131	1.1.6.3 سیستم‌های باز و بسته
132	2.1.6.3 بعد گذرا
132	3.1.6.3 رئالیسم و علوم اجتماعی
133	4.1.6.3 هستی‌شناسی اجتماعی ساختار/عملیت
133	2.6.3 مبادی و اصول موضوعی رئالیسم انتقادی
133	1.2.6.3 مبادی هستی‌شناختی
135	2.2.6.3 مبادی معرفت‌شناختی





136	3.2.6.3 روش‌شناسی بنیادین رئالیسم انتقادی
138	4.2.6.3 روش‌شناسی کاربردی
141	فصل 4: بررسی هندسه‌ی معرفتی علوم اجتماعی مدرن و جایگاه روش در آن
142	1.4 مقدمه
144	2.4 بررسی بنیان‌های معرفتی-تاریخی مدرنیته و تکوین علوم اجتماعی مدرن
146	1.2.4 ادوار تاریخی مدرنیته
Error! Bookmark not defined.	3.4 بررسی بنیان‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ی عالم مدرن
177	4.4 ماهیت علوم اجتماعی مدرن
Error! Bookmark not defined.	5.4 جایگاه روش در ساختمان علوم اجتماعی مدرن
185	1.5.4 پارادایم اثباتی
185	1.1.5.4 تأثیر سوپزکتیویسم بر پارادایم اثباتی
188	2.1.5.4 تأثیر نگاه ریاضیات و اصالت آن
189	2.5.4 پارادایم هرمنوتیک
189	1.2.5.4 تأثیر سوپزکتیویسم
195	2.2.5.4 تأثیر نگاه ریاضیات و اصالت آن (هرمنوتیک نظم کاملاً جدید)
199	3.5.4 پارادایم انتقادی
200	1.3.5.4 تأثیر سوپزکتیویسم
202	2.3.5.4 تأثیر نگاه ریاضیات در بینش انتقادی
204	4.5.4 پارادایم رئالیسم انتقادی
210	فصل 5: بررسی نارسایی روش(های) علوم اجتماعی مدرن در تولید جامعه‌شناسی دینی
211	1.5 مقدمه
Error! Bookmark not defined.	2.5 دین و خاستگاه آن(هستی دین)



215	1.2.5 دین و داوری در اختلافات
216	2.2.5 عدالت اجتماعی
216	3.2.5 رسالت سیاسی دین
216	4.2.5 توحید
218	3.5 عقلانیت دینی
221	1.3.5 نسبت عقلانیت دینی و مدرن
227	2.3.5 علم دینی در نسبت با عقلانیت دینی
232	3.3.5 نارسایی روش (های) علوم اجتماعی مدرن در تولید جامعه شناسی دینی
232	1.3.3.5 نارسایی روش (های) علوم اجتماعی مدرن در پذیرش پیش فرض های دینی با بازخوانی آموزه های دینی
233	2.3.3.5 نارسایی روش (های) علوم اجتماعی مدرن در پذیرش پیش فرض های دینی با بازخوانی آرای متفکرین
234	3.3.3.5 نارسایی روش (های) علوم اجتماعی مدرن در صحت بخشی به فرضیه ها
235	4.5 انقلاب اسلامی و حقیقت قدسی آن
238	1.4.5 نهاد اجتماعی مولد انقلاب اسلامی: حوزه علمیه تشیع
Error! Bookmark not defined.	5.5 نتیجه گیری
248	منابع

## فصل 1. طرح تفصیلی

---

## 1.1 بیان مسئله

پس از رنسانس و تغییرات و تحولات فکری و معرفتی که پدید آمد، متد<sup>1</sup> و توجه به آن، جایگاه ویژه و بنیادینی در نظام علم<sup>2</sup> آن زمان یافت. اهمیت این مساله آن قدر بود که دکارت به عنوان فیلسوف عالم مدرن رساله‌ای مهم در باب گفتاری پیرامون متد پدید آورد و دستورات و تاملات او اساسا ماهیتی متدولوژیک یافت. پس از وی و با تکوین علوم انسانی این نزاع‌ها ادامه یافت به طوری که ژولین فروند<sup>3</sup> نزاع صاحبان علوم انسانی را جدال بر سر متد می‌داند. فیلسوفان و دانشمندان متاخر هم به این نکته و مولفه توجه داشته‌اند و هرکدام به نحوی بدان پاسخ داده‌اند. برای مثال می‌توان از هایدگر، گادامر، فایرابند و فوکو در این میان نام برد توجه مجددی که به متد مخصوصا در دوره‌ی اخیر در بازخوانی تفکر عالم مدرن صورت گرفته‌است و اندیشه‌ی پست‌مدرن را شکل داده‌است، نشان از اهمیت متد به عنوان یک مولفه‌ی قوام‌بخش علم جدید دارد. به طوری که هریک از اندیشمندان پست‌مدرن در واکنش و انکار عالم مدرن به نوعی به ماهیت فلسفی و تغییرات و نقش متد داشته‌اند برای مثال می‌توان به مقاله عصر‌تصویرجهان هایدگر کتاب برعلیه‌روش<sup>4</sup> و کتاب حقیقت و روش<sup>5</sup> گادامر اشاره کرد.

متد را در زبان فارسی روش ترجمه کرده‌ایم. روش در منظومه‌ی فکری ما قبل رنسانس و در تفکر قرون وسطی و همچنین در اندیشه‌ی اجتماعی متفکرین مسلمان جایگاه خاص خود را داشته است و در نظام معرفتی جایگاه متفاوتی بسته به شرایط و ماهیت فرهنگی آنان داشته است. عدم توجه به چرخش فلسفی و ماهوی که نسبت به متد در تفکر مدرن پدید آمد و برخورد با آن با همان واژه‌ی ترجمه‌ی لفظی روش، سبب کج فهمی و سوتفاهم‌های بسیاری در جامعه‌ی ایران به عنوان یک جامعه متفاوت از غرب و اصولا در واکنش به آن پس از انقلاب اسلامی بوده است.

---

1 Method

2 Science

3 Feround

4 Against The Method

5 Truth And Method

به عبارت دیگر باید دید که ابتدائاً این تغییر و تحول پیرامون نظام علمی چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد و ماهیت آن بررسی شود و این نوع ماهیت را در پارادایم‌های مختلف نشان داد و بعد از روش و نگاه دینی و نگاه به آن در نگاه دینی گفت.

توجه و مشخص کردن چنین مولفه‌ای باعث جلوگیری بسیاری از سوتفاهم‌ها در نظام گفتگوی کشور خواهد شد. جامعه مسلمین پس از رویارویی با مدرنیته و عالم مدرن تغییر و تحولات جدی در پیرامون خود احساس کرده است و عموماً تحت تاثیر هژمونی سیاسی و علمی این تفکر قرار گرفته است و توجه به بعد علمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، فضای علمی کشور اعم از حوزه و دانشگاه پس از انقلاب سعی در توجه به این بعد را داشته است اما اغلب عموماً به علت توجه به ماهیت این نوع تفکر و چرخش در مدرنیته و عده‌ای دیگر با متاثر بودن از هژمونی عالم مدرن در باب امکان و یا امتناع علم دینی سخن گفته‌اند، در حالی که باید در ارتباط با این بحث نرم‌افزاری ابتدا ماهیت علم غربی و سپس منظومه‌شناسی دین صورت گیرد تا باب تفاهم و بررسی این مقولات روشن گردد. همچنین نیاز انقلاب اسلامی به آینده‌شناسی و کمک حرکت و سلوک جامعه به سمت هدف مشخص اولی‌یه انقلاب اسلامی به عنوان هستی قدسی از پیامدهای عملی این مساله است و همچنین نگاهی مبنایی‌تری نسبت به برخورد و نگاه به علم مدرن و در نتیجه تاملی جدی برای مفاهمه را به همراه خود خواهد داشت.

## 2.1 اهمیت و فایده تحقیق

در بررسی هر نوع مسئله و پدیده ای پیش فرضها و چارچوب نظری فرد در فهم و ارائه دیدگاه نسبت به آن مسئله تأثیرگذار است. مسلماً مسائل اجتماعی از این مسئله مستثنی نمی باشند. اینکه ما مسیری را که برای حصول معرفت طی میکنیم از مبادی هستی شناختی<sup>1</sup> و معرفت شناختی<sup>2</sup> عالم مدرن نشئت گرفته باشد که نسبت آن با پیشینه تاریخی ما مجهول است و اهداف و غایات خاص خود را دارد در بازخوانی دین و تأثیرگذاری دین در جامعه با آسیبهای جدی مواجه است که توانایی همسویی با اهداف و غایات دینی ندارد و در بررسی پدیدههای اجتماعی دینی مثلاً انقلاب اسلامی با نارساییهای جدی مواجه خواهد شد که عدم توجه به این مهم ما را به چنین مبتلاهایی دچار خواهد کرد و با بررسی چنین موضوعی می توان با نشان دادن ماهیت جامعه شناسی مدرن و مسیرهایی که برای کسب معرفت پیش پای ما می نهد از چنین آسیبها و نارساییهایی در امان بود و در عوض تعاملی پویا و از نگاه دینی به عالم مدرن خواهیم داشت.

---

1 Ontological

2 Epistemological

### 3.1 سابقه تحقیق

دکتر حمید پارسانیا در مقاله ای تحت عنوان *روش شناسی<sup>1</sup> علوم انسانی با رویکرد اسلامی* روش شناختی بر مبنای خود بیان کرده‌اند که نگارنده با استفاده از چنین دیدگاهی به بررسی پارادایم‌های علوم اجتماعی مدرن و مسیرهای طی شده در آن می پردازد. اما در این مقاله اولاً چنین بررسی‌ای از پارادایم‌های علوم اجتماعی مدرن صورت نگرفته و ثانیاً از نارسایی‌های این روش به طور مفصل صحبتی به میان نیامده است.

فاطمه امین پور در کتابی تحت عنوان *روش شناخت اجتماعی از منظر قرآن* به بررسی پارادایم‌های علوم اجتماعی مدرن پرداخته و سپس در عرض آن از روش‌های شناخت اجتماعی در قرآن سخن گفته است. در این کتاب اولاً وحدت فلسفی تفکر مدرن و سیر تاریخی و ماهیت جامعه شناسی مدرن مورد بررسی قرار نگرفته است. این نوع بررسی اولاً به ما کمک خواهد کرد که رویکرد انتقادی نسبت به تجدد را از زاویه بیرون از آن مطرح کنیم و ثانیاً توانایی آسیب شناسی این نوع تفکر را در اندیشه دینی خواهد داد.

دکتر سید صادق حقیقت در کتابی تحت عنوان *روش شناسی علوم سیاسی<sup>2</sup>* به بررسی روش‌های موجود در نگاه‌های فلسفی علم و پارادایم‌های علوم اجتماعی پرداخته است و در نهایت موضع کثرت‌گرایی<sup>3</sup> روش شناختی را برگزیده است بدان معنا که ضمن پذیرش محدودیت‌های هر روش آنها را در حیطه خود قابل استفاده می‌داند. نگارنده ضمن استفاده از این کتاب در معرفی و بررسی این دیدگاه‌ها معتقد است جامعه شناسی مدرن و ماهیت روش ذیل آن بنا به دلایلی که در متن ذکر می شود در کلیت ساختاری خود توانایی هضم و پذیرش دیدگاه‌های دینی را ندارد تا بعد سخن از استفاده از آنان گردد.

---

1 Methodology

2 Political Science

3 Pluralism

## 4.1 اهداف تحقیق

- 1- شناخت و تبیین جامعه شناسی مدرن و شناخت اهداف و غایات آن و بررسی مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی عالم مدرن و مسیرهایی که برای کسب معرفت پیرامون ما قرار می دهد.
- 2- تعریف از دین و الزامات بینشی برخاسته از آن برای تبیین اولیه از علم دینی با بررسی خواستگاه و غایات علم دین.
- 3- تبیین آسیب و نارسایی های استفاده از مدل روش شناختی مدرن در بازخوانی اندیشه دینی.
- 4- نشان دادن وحدت فلسفی و مؤلفه های اصلی تفکر مدرن.

## 5.1 سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

### الف. سؤالات اصلی

- 1- مبنا قرار دادن تفکر مدرن و الزامات روشی آن چه آسیبها و نارسائی هایی در بازخوانی اندیشه های اجتماعی دینی ایجاد خواهد کرد؟
- 2- با فعال دیدن معرفت دینی در حوزه جامعه، الزامات جامعه شناسی دینی چگونه شکل خواهد گرفت؟

### ب. سؤالات فرعی

- 1- منظور از روش و روش شناسی چیست و آیا روش ماهیتی فلسفی دارد و چه نقشی را در تولید نظریه ایفا می کند؟
- 2- جامعه شناسی مدرن چه ابعاد و غایات و اهدافی دارد و آیا روش خاص منبعت از ماهیت خود را دارد؟ روش چه جایگاهی در این فضا و مسیر شکل گیری آن ایفا می کند و کرده است؟



## 6.1 چارچوب مفهومی تحقیق

روش شناسی مسیری است که برای تحصیل یک معرفت، طی می‌شود. با آنکه اغلب، روش هویتی آگاهانه و معرفتی دارد، ولی غیر از روش شناسی معرفتی است که موضوع آن «روش» است. این معرفت همانند دیگر انجای معرفت، همانگونه که از موضوع خود تأثیر می‌پذیرد، از عوامل دیگری که در تعیینات معرفت دخیل هستند، نظیر عالم، هدف و همچنین زمینه‌های احساسی، به خصوص معرفتی روش شناسی رنگ می‌گیرد.

اینکه نظریات چگونه تولید می‌شوند، موضوعی است که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد. اصولاً نظریه‌ها بر اساس روشی تولید می‌شوند و روش‌شناسی بنیادین به این مسئله می‌پردازد. همان گونه که روش‌شناسی کاربردی در حاشیه نظریه است، روش‌شناسی بنیادین نیز باید در حاشیه چیز دیگری باشد. طبیعی است که نظریه در خلأ تولید نمی‌شود، بلکه از یک مجموعه مبادی، اصول موضوعه و مبانی نشأت می‌گیرد که همان مبادی و اصول موضوعه روش خاصی را تحمیل می‌کند

### روش شناسی علوم اجتماعی مدرن

شناسایی روش‌های استفاده شده در جامعه شناسی مدرن، بدان معنا که جامعه شناسی مدرن با دارا بودن ساختمان خاص خود چه مسیرهایی را برای کسب معرفت که منجر به نظریه می‌شود را پیش روی ما می‌نهد که برای این منظور باید مکاتب موجود در جامعه شناسی غرب از جمله اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی و رئالیسم انتقادی را روش شناسی کرد و با نگاه ساختاری اصول و مبادی آن را مورد بررسی قرار داد و در نهایت علی‌رغم پذیرش نگاه‌های ساختاری و بعضاً متضاد از نوعی وحدت فلسفی برخوردار است.

### الزامات جامعه شناسی دینی

در این پایان نامه از الزامات جامعه شناسی دینی صحبت خواهیم کرد و ساختمان آن را بررسی خواهیم کرد از جمله این که این نوع نگاه معتقد به امر قدسی در هستی است و وحی را از منابع مهم معرفت می‌داند و انسان را دارای شایسته‌ی خلیفه‌اللهی می‌داند و خاستگاه و چگونگی پیوندهای اجتماعی و تغییرات مبتنی بر آن را در فرهنگ اسلامی بررسی خواهد کرد.

## 1.7 فرضیه‌های تحقیق

روش به علت نشان دادن مسیر کسب معرفت برای تولید نظریه با آبشخورهای معرفت شناختی خود، نقش مهمی را در به عرصه رساندن آن ایجاد می‌کند.

جامعه‌شناسی مدرن مسیری را برای کسب معرفت پیش رو می‌نهد که توانایی به عرصه رساندن و فهم دین به عنوان امر قدسی را ندارد.

دین بر اساس دیدگاه ارائه شده در پایان نامه الزامات روشی خود را دارد تا تعاملی پویا در برخورد به همتای مدرن خود داشته باشد.

## 1.8 پیش فرض‌های تحقیق

دین توانایی شرکت پویا در تمامی ابعاد زندگی برای مدیریت در عرصه‌ی کلان را دارد و در پذیرش پیش فرض‌ها نمادها و رفتارها قلمرو و نقش مهمی را داراست.

## 1.9 روش انجام تحقیق:

- 1- نوع روش پژوهش: توصیفی ● همبستگی ○ تجربی ○ تاریخی ○ ملی ○
- 2- روش گردآوری اطلاعات: میدانی ○ کتابخانه‌ای ● موارد دیگر ذکر شود.
- 3- ابزار گردآوری اطلاعات: پرسشنامه‌ای ○ مصاحبه ● مشاهده ○ فیش ● موارد دیگر ذکر شود.
- 4- جامعه آماری و تعداد نمونه‌ها و روش نمونه‌گیری (در صورت نیاز):
- 5- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

## 1.10 سازماندهی تحقیق

### 1.10.1 کلیات

در این فصل واژه‌ها و مفاهیم مورد نیاز در تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت از جمله تعریف از روش و روش شناسی، منظور از مدرنیته و چپستی آن، علوم اجتماعی مدرن، ارزیابی انتقادی علوم اجتماعی مدرن و دین و الزامات جامعه شناسی دینی.

### 2.10.1 روش شناسی علوم اجتماعی مدرن

در این فصل پارادایم‌های حاکم بر علوم اجتماعی مدرن که به چهار دسته اثباتی، هرمنوتیک، انتقادی و رئالیسم انتقادی تقسیم می شوند بدین نحو بررسی می شود که ابتدا اصول و مبادی هر پارادایم که شامل مبادی معرفت شناسی و هستی شناسی می شود بررسی خواهد شد و سپس بر مبنای این مبادی روش شناسی بنیادین آن معرفی می گردد و در مرحله سوم رویکردهای<sup>1</sup> و مکاتب نظری تولید شده بر اساس این نوع روش شناسی بنیادی در جامعه شناسی معرفی می گردد و در نهایت روش شناسی کاربردی متناسب با این نظریه‌ها مشخص می گردد. همچنین ریشه‌های فلسفی این نوع پارادایم‌ها نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### 3.10.1 بررسی هندسه‌ی معرفتی علوم اجتماعی مدرن و جایگاه روش در آن

در این فصل ابتدا درآمدی بر سیر تاریخی مدرنیته از زمان پیدایش تا کنون و تطوراتی که با آن روبرو بوده است را بررسی خواهیم کرد و سپس جایگاه علوم انسانی و به تبع جامعه شناسی مدرن را ذیل آن معین و مشخص می کنیم. سپس ماهیت فلسفی و مبنایی این نوع تفکر را که جزء ویژگی‌های چهار پارادایم فصل قبلی است روشن خواهیم کرد. این امر ما را در بررسی انتقادی جامعه شناسی مدرن از زاویه ای متفاوت از تجدد کمک خواهد کرد.

### 4.10.1 بررسی نارسایی روش(های) علوم اجتماعی مدرن در تولید جامعه‌شناسی

دینی

در این فصل ابتدائاً تعریفی اولیه از دین و خاستگاه آن بیان خواهیم کرد و از عقلانیت دینی و چیستی آن ذیل دین سخن خواهیم گفت و سپس از نسبت این نوع عقلانیت با همتای مدرن سخن خواهیم گفت و بر مبنای این نوع نسبت الزاماتی از علم دینی ذیل عقلانیت دینی خواهیم گفت و سپس به بررسی دلایل نارسائی این نوع نگاه و روش علوم اجتماعی مدرن در تحقق علوم اجتماعی دینی خواهیم گفت. که این نوع نارسائی در سه سطح رخ می دهد.

- نارسایی روش(های) علوم اجتماعی مدرن در پذیرش پیش فرض‌های دینی با بازخوانی آموزه‌های دینی
- نارسایی روش(های) علوم اجتماعی مدرن در تولید فرضیه‌های دینی با بازخوانی آرای متفکران اسلامی
- نارسایی روش(های) علوم اجتماعی مدرن در صحت بخشی به فرضیه‌ها (تبدیل فرضیه به نظریه)

در نهایت تحلیل اولیه از انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی دینی که توانسته است در عصر هژمونی مدرن که اصولاً تفکری ناسوتی است به عرصه ظهور می رسد و در ذیل این انقلاب اسلامی از نهاد اجتماعی مولد آن یعنی حوزه علمیه تشیع و الزامات و بایستگی‌های این حوزه تولید پدیده‌های اجتماعی در ذیل آن پرده خواهیم برداشت.

فصل 1:

فصل 2:

فصل 3:

فصل 4:

**فصل 5: فصل 2: کلیات**

---

## 1.2 مقدمه

در این فصل به بررسی مفاهیم مورد نظر در رساله می پردازیم که گام مهمی در درک معانی و فضای موضوع دارد. مفاهیم مورد استفاده در این مقاله عبارتند از: روش، روش شناسی، مدرنیته، علوم اجتماعی مدرن<sup>1</sup>، روش شناسی علوم اجتماعی مدرن، منظور از بررسی انتقادی و نهایتاً الزامات جامعه شناسی دینی و چیستی اولیه ی آن.

## 2.2 روش

روش از لغت متد است که از واژه‌ی یونانی متا به معنای «در طول» و «راودوس» یعنی «راه» گرفته شده است و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی بانظم و توالی خاص است (کاظمی، 1374، ص 28-29).

در تعاریف دیگر روش آمده است:

روش عبارت است از فرایند عقلانی<sup>2</sup> یا غیر عقلانی برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش بر کنار ماند (حقیقت، 1391، ص 43).

---

1 Modern Social Science

2 Rationality

روش ممکن است به مجموعه طرقي که انسان را به کشف مجهولات هدايت می کند و يا مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می رود و يا مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را در مجهولات به معادلات راهبري می کند، اطلاق شود (ساروخانی، 1375، ص 24).

روش فن درست اندیشیدن و شیوه تحقیق و اسلوب علمی بررسی امور و پدیده هاست (گلایبی، 1369، ص 113).

روش در جامعه شناسی عبارت است از مجموعه شیوه ها و تدابیری که برای شناخت حقیقت و بر کناری از خطا به کار می رود (شایانمهر، 1377، ص 296).

روش، بررسی فرایند عقلانی است که باید برای دستیابی به دانش دنبال کرد (بیرو، 1366، ص 223).

به عقیده ساروخانی روش علمی<sup>1</sup> شروطي دارد از جمله انتظام، عقلانی بودن، روح علمی واقعیت گرایی و شک دستوری. (شیوهی معروف دکارت)

از تمامی تعاریف استفاده شده چنین بر می آید:

اولا روش بحثی درجه یک به حساب می آید و ثانيا روش ارتباط تنگاتنگی با شناخت<sup>2</sup> پیدا می کند و در ادامه رابطه ی آنها را خواهیم گفت و ثالثا روش معنای اعمی از روش های تجربه گرایانه<sup>3</sup> که امروز تحت عنوان روش های علمی خوانده می شود، دارد: برای مثال عده ای در تعریف روش، روش را معادل روش علمی که تحت تاثیر فضای حس گرایانه ی قرن هجدهم است، تعریف کرده اند در حالی که بسته به شناخت معتبر در یک منظومه ی فکری و رابطه ی شناخت و روش می توان روش های دیگری ذیل روش های حس گرایانه تعریف کرد به طور مثال

---

1 Scientific Method

2 Knowledge

3 Emperical

روش علمی، عبارت است از طرح و بیان موضوع یا سوال مورد نظر بررسی و ارزیابی اطلاعات موجود، تعیین جامعه مورد مطالعه، تعیین روش جمع آوری اطلاعات و اجرای پژوهش و استخراج و جدول بندی و محاسبات آماری و بالاخره تجزیه و تحلیل و تغییر نتایج روش عملی ترکیب صحیح از مشاهده و تجربه از یک سو و تئوری سازی از سوی دیگر است (سروش، 1372، ص 165).

رابعا در فضای مدرن با تغییر و تحولاتی که اتفاق افتاد که در فصل سوم بدان خواهیم پرداخت روش جایگاه متفاوت و ویژه و بنیادینی در ماهیت شکل گیری علم یافت که علل آن را باید در فضای فکری عالم مدرن و تغییرات آن جستجو کرد به طوری که ژولین فروند معتقد است :

جدال صاحب نظران علوم انسانی بیشتر بر سر روش هاست (فروند، 1372، مقدمه مترجم). به نظر وی ، دانشمندان جدید تمایز علوم را به روش دانسته اند و به اعتقاد ایشان تمایز علوم به موضوع یا غایت آن ها نیست آن چه هست به این است که روش در هر علم و مکتب و نظریه ای، نقش کلیدی دارد.

پارسانیا در تشبیه علم به یک ارگانیسم زنده معتقد است:

اگر در تشبیه آن به ارگانیسم زنده نظریه در حکم قلب باشد، روشی که در هر علم بکار می رود در حکم سیستم و شبکه عروق است که ارتباطات قلب را با حوزه های مختلف علمی و موضوعات مربوط به آن ها حفظ می کند (پارسانیا، 1390، ص 74).

روش کاربردها و اصطلاحات گوناگونی دارد که از جمله ی آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(حقیقت، 1391، ص 72-75)



## 1- روش معرفت

روش به این معنا ممکن است فلسفی (عقلی)، عملی (تجربی)، شهودی و یا نقلی باشد در روش عقلی با استفاده از قیاس<sup>۱</sup> یا استقرا<sup>۲</sup> صغری یا کبری منطق تشکیل می شود که قیاس ممکن است شکل برهانی (با مواد یقینی و بدیهی)، جدلی (با استفاده از مقبولات) خطابی (مشهورات) شعر (تخیل) یا مغالطه‌ای باشد.

روش شهودی دو معنا دارد، که در عرفان و علوم انسانی دو کاربرد متفاوت می یابد، عرفانی که روش های تجربی و عقلی را ناکافی می دانند، سه مرحله برای شهود معرفی می کنند: مشاهده، مکاشفه، و محاضره. روش شهودی در علوم انسانی در مقابل روش های تحصیلی قرار می گیرد. مثلاً در روش های تأویل به جای پرداختن به مراحل مشاهده و تجربه، بر همفکری، همدلی، تأویل گری و آگاهی حضوری و بلاواسطه تأکید می شود و به جای پرداختن به علل، به دلایل و معانی وجدانی توجه می شود. (عباس جواد شکیبایی، مبانی نظری روش های تحقیق در علوم انسانی)

## 2- نوع استدلال

گاهی روش به معنای نوع استدلال به کار می رود از این حیث روش می تواند قیاسی یا استقرایی، لمی یا انی باشد. در روش لمی از علت به معلول و در روش انی از معلول به علت می رسیم. به اعتقاد بل فولکیه، فلاسفه ی قدیم از روش های لمی، اما فلاسفه معاصر از روش های انی استفاده می کنند (فولکیه به نقل از حقیقت، 1347، ص 21-22).

## 3- روش ها یا فنون گردآوری اطلاعات

---

1 Deduction

2 Induction

برای جمع‌آوری اطلاعات از چهار روش عمده می‌توان بهره برد: روش مشاهده، روش پرسشنامه، روش مصاحبه، و روش کتابخانه‌ای.

این روش‌ها به معنی دقیق کلمه، فن تحقیق هستند نه روش تحقیق.

#### 4- روش تحلیل داده‌ها

بعد از گردآوری، مرحله تحلیل داده‌ها است. روش تحلیل داده‌ها می‌تواند کلاسیک یا آماری باشد.

#### 5- سطح تحلیل

مثلاً در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها از روش توصیفی-تحلیلی و امثال آن نام می‌برند. روش تحقیق برای معنا در نگاه کلی خود به دو روش توصیفی (به معنای اعم) و روش هنجاری تقسیم می‌شود.

#### 1.2.2 رابطه روش و شناخت

علی‌رغم این که هر روش علمی، بر مبنای معرفت‌شناسی و جهان‌بینی خاصی شکل می‌گیرد، اما روش اساسی‌تر از شناخت است و هر شناختی از روش مناسب خود برای رسیدن به حقیقت بهره می‌گیرد. در واقع هر معرفت و شناختی بدون اتکا بر روش و متدولوژی راه به جایی نمی‌برد. روش در روش‌شناسی هر دو در جهت شناخت و کسب معرفت به کار می‌رود و وعده‌ای تعریف شناخت را به طور کلی ناممکن می‌دانند (درخشنده، 1383، ص 8).

### 2.2.2 تعریف هستی‌شناسی<sup>1</sup>

**هستی‌شناسی** یا **وجودشناسی** شاخه از فلسفه است که به مطالعه‌ی بودن، هستی یا وجود می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید، تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر گردد. هستی‌شناسی مطالعه فلسفی سرشت بودن، وجود یا واقعیت به طور کلی و نیز مقوله‌های عمده بودن و روابط آنهاست. به صورت سنتی بخشی از شاخه عمده فلسفه متافیزیک به حساب می‌آید که با پرسش‌های مربوط به چیستی موجودات، انواع، مقوله بندی، سلسه مراتب و زیرشاخه‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجودات سروکار دارد.

هستی‌شناسی در واقع به این سوال جواب می‌گوید که معتقد به چه چیزی

هستیم (ایمان، 1383، ص 51)؟

### 3.2.2 تعریف معرفت‌شناسی<sup>2</sup>

معرفت عبارت از علم توجیه باور معرفت در مقام ((باید)) است نه ((تحقق)) معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت که شاخه ای از فلسفه است که از بررسی ماهیت و حدود معرفت پیشرفت‌های ومبانی آن می‌پردازد به بیان دیگر معرفت‌شناسی عبارت از مطالعه شرایط حصول و شکل‌گیری معرفت‌ها. معرفت‌شناسی جدید که به 1967 بر می‌گردد به نقش سوژه در جریان شناخت توجه دارد به اعتقاد ملکیان روش‌شناسی بخشی از معرفت‌شناسی است.

معرفت‌شناسی به کفایت ادله می‌پردازد نه صدق مدعا و غیر از وجودشناسی است و کاری به صدق مدعا ندارد به تفکر و تأمل فلسفی در باب سرشت و طبیعت شناخت انسان می‌پردازد.

---

1 Ontology

2 Epistemology

روش‌شناسی همانگونه که از منطق پیش‌فرض‌هایی را می‌پذیرد از معرفت‌شناسی نیز مفروضاتی را اخذ می‌کند، روش‌شناسی با پذیرش ادعاهای طرح شده در معرفت‌شناسی آن‌ها را مبنای فعالیت و تحقیقات خود قرار می‌دهد و بر آن اساس به قضاوت درباره روش‌های به کار گرفته شده می‌پردازد، روش‌شناسی از نظریه‌های شناخت مبنا اخذ می‌کند.

چگونه می‌دانیم و درک می‌کنیم، آنچه را ادعا می‌کنیم درباره جهان اجتماعی می‌دانیم و از چه گزاره یا اثباتی برای تصدیق آن استفاده می‌کنیم، معرفت‌شناسی از این نظر که مربوط به اسناد و مدارکی است که جهت متقاعد ساختن خود و دیگران درباره جهان اجتماعی استفاده می‌کنیم، مهم است (ایمان، 1383، ص 54).

## 3.2 روش‌شناسی

روش‌شناسی دانشی درجه دوم است که از دیدگاه بالاتر به روش‌های تحقیق به عنوان دانشی درجه اول می‌پردازد. در این جا نیز روش‌ها یا روش تحقیق‌های مختلف، موضوع روش‌شناسی قرار می‌گیرند روش‌شناسی معادل واژه متدولوژی است.

شاله<sup>1</sup> در تعریف روش‌شناسی می‌گوید: ((فلسفه علمی را منطق علمی یا متدولوژی شناخت روش نیز می‌توان نامید، این فلسفه قسمت مهم منطق است که خود مطالعه حقیقت و علم قوانین استدلال است. متدولوژی یعنی مطالعه نفسانیات عالم با روش صحیح. متدولوژی علمی است دستوری زیرا برای فکر قواعدی مقرر می‌دارد و تعیین می‌کند که انسان چگونه باید حقایق را در علوم جست و جو کند (شاله، 1346، ص 6-22).

---

1 shalleh

در تعریف دیگر آمده است که : روش‌شناسی، دانش روش‌ها است که هدف از آن تعمق درباب فرایندهای عقلانی یک دانش منظم است و به تعبیر مفاهیم اساسی و ابزار عقلانی که یک روش برای وصول به هدف باید به کار گیرد، می‌پردازد (بیرو، 1366، ص 223).

روش‌شناسی جایگاه هر علم را در جهان معین می‌کند و روش‌های پذیرش نظریه‌ها در یک علم رابطه واقعیت و فرضیه و درجه‌ی ابطال‌گرایی یا اثبات‌گرایی و مسائلی از این قبیل را بحث می‌کند.

موضوع روش‌شناسی، روش است که هر چند دانش درجه دوم است اما بر کاستی‌ها و کارآمدی‌های روش‌ها آگاهی دارد و تفاوت و ارتباط بین روش‌های مختلف را می‌شناسد.

روش‌شناسی عین روش است. روش مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند و روش‌شناسی دانشی دیگری است که به شناخت آن مسیر می‌پردازد. روش‌شناسی دانشی است که از نظر به روش شکل می‌گیرد و به همین دلیل روش‌شناسی همواره یک دانش و علم درجه دوم است (پارسانیا، 1390، ص 67).

عده‌ای شروع نگرش‌های جدید مربوط به روش و روش‌شناسی را توسط فرانسیس بیکن می‌دانند (رفیع پور، 1387، ص 20).

ایمان معتقد است روش‌شناسی ((مربوط به منطق تحقیق اجتماعی است یعنی ما چگونه معرفت و دانش خودمان را اعتباریابی می‌کنیم)) (ایمان، 1383، ص 50).

برخی روش‌شناسی را به دو قسمت عمده تقسیم می‌کنند:

به لحاظ بنیادین، روش را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد (پارسانیا ، روش‌شناسی با رویکرد اسلامی)

## 1- روش‌شناسی بنیادین 2- روش‌شناسی کاربردی.

روش بنیادین ناظر به روشی است که نظریات علمی در مسیر آن تولید شوند و مقدم بر نظریه است. در مقابل روش‌شناسی بنیادین، روش‌شناسی کاربردی قرار دارد که منظور از آن کاربرد یک نظریه علمی در حوزه‌های معرفتی مرتبط با نظریه است.

معرفت‌شناسان و فیلسوفان علم، روابط معرفتی نظریات علمی را با مبادی، مبانی، اصول موضوعه، و پیش فرض‌های آن مورد بررسی قرار می‌دهند. روش‌شناسی بنیادین از ارتباط مقدمات علمی با مبادی و اصول موضوعه‌ی آن پدید می‌آید.

منظور از مبادی، مبادی هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی است.

چینش مطالب فوق به صورت لایه ای و در طول هم بدینگونه است:

1- مبادی و اصول موضوعه

2- روش‌شناسی بنیادین

3- رویکردها، مکاتب و نظرات علمی

4- روش‌شناسی کاربردی

با توجه به آن چه گفته می شود می توان چنین نتیجه گرفت که روش‌شناسی ضمن آن که از موضوع خود که روش است اثر می پذیرد، از بنیادهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و همچنین مبانی نظری و ساختار معرفتی روش‌شناسی و نیز هدف معرفتی او اثر می پذیرد در مجموع می توان به شکل کلی ادعا کرد توصیه به روش مبتنی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاصی است.

در نهایت می توان اهداف روش‌شناسی را چنین برشمرد: (حقیقت، 1391، ص 65)

1. شناسایی روش‌های به کار رفته در پژوهش‌های علمی
2. کمک به شناسایی مبانی روش‌شناختی اندیشمند
3. کمک به شناسایی مبانی روش‌شناختی مکاتب علمی و فلسفی

## 4.2 مدرنیته

مدرنیته را لز لحاظ لغوی چنین می‌توان تبارشناسی کرد:

واژه ی «مدرن»<sup>۱</sup> از لفظ لاتینی مدرنوس<sup>۲</sup> و از قید مودو<sup>۳</sup> مشتق شده است، مودو به معنای «به تازگی، اخیراً، تازه، این اواخر گذشته ای بسیار نزدیک» بوده است (احمدی، 1389، ص 3).

در حدود سال 1460 میلادی، کلمه‌ی مدرن به معنای امروزی، در زبان فرانسوی به کار می‌رفته است، واژگان «مدرنیته» و «مدرنیزه» در قرن هفدهم در ادبیات عصر روشنگری<sup>۴</sup> نویسندگان انگلیسی و آلمانی مورد استفاده قرار گرفت. هگل<sup>۵</sup> فیلسوف پرآوازه‌ی آلمانی در گفتارهای تاریخ فلسفه ی خود، بخش مربوط به آراء فرانسیس بیکن<sup>۶</sup> و پس از او را فلسفه‌ی مدرن نامید.

برمن<sup>۷</sup> معتقد است: (( مدرن بودن یعنی زیستن در یک زندگی سرشار از معما و تناقض، مدرن بودن یعنی اسیرشدن در چنگ سازمان‌های بوروکراتیک عظیمی که قادر به کنترل و

---

1 Modern

2 Modernus

3 Modo

4 Enlightenment

5 Hegel

6 Bacon

7 Berman

غالباً قادر به تخریب همه ی اجتماعات و ارزش‌ها و جان‌ها هستند)) (برمن، 1384، ص 17 و 11).

در تعریف دیگر از مدرنیته آمده است:

جریان یا روند حاکم بر تمدن جدید غرب در زمینه‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و..... که جدا از آموزه‌های دینی و با محور قراردادن انسان و تکیه بر آزادی همه جانبه‌ی او و نیز اعتماد به عقل بشری و اصالت دادن به فرد در صدد تحلیل همه‌ی امور اعم از طبیعت، ماورا طبیعت، ارزش‌ها و ... بر آمده است و با اندیشه‌ی تغییر و نوکردن دایمی و همه جانبه حیات انسانی هر آن چه مقابل آن است از جمله دین و آیین کهن را نفی نماید، عناصر غالب در تمدن جدید غرب را می‌توان چنین برشمرد: ناواقعگرایی معرفت‌شناختی، تجربه‌گرایی، عقل‌گرایی (عقل خودبنیاد بشر)، مادیدگرایی، انسان‌مداری و احساس‌گرایی اخلاقی (مشکی، 1387، ص 185-189).

عده‌ای نیز مدرنیته را با وجهی تاریخی چنین تعریف کرده‌اند:

مدرنیته، افق تاریخی فرهنگی است که تدریجاً و از اواخر قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی در تاریخ تمدن غربی ظاهر می‌گردد، مدرنیته از زمان پیدایش در اواخر قرن چهاردهم تا امروز در حدود پانصد سال عمر دارد. مدرنیته از نیمه‌ی قرن هجدهم به بعد، تدریجاً بر نقاط مختلف زمین و ملل و اقوام گوناگون سیطره یافت و هویت‌های اسطوره‌ای دینی اقوام غیرغربی را ماده‌ای برای صورت نوعی مدرنیته قرار داد (زرشناس، 1383، ص 35).

در نگاهی مشابه نیز آمده است که مدرنیته شرایطی است که در آن بشر خود در لایق تصرف در موجودات یافته و به نظرش رسیده‌است که می‌تواند با فکر و رأی خود همه امور را چنان که باید سروسامان دهد. مدرنیته یک نسبت است، نسبتی که در آن بشر خود را مرجع



علم، قدرت و عقل و ملاک خیر و زیبایی دانسته است. و لذا علم و خردمندی و هنر و قدرت و ملاک خیر و زیبایی همه فرع بر این نسبت هستند (داوری، 1390، ص 11).

زمانی که از مدرنیته بحث می کنیم، مرادمان یک وضعیت و یک نسبت و یک عالم و مهمتر یک سنت است. باید توجه داشت که اندیشه دائرمدار بودن بشر و تسلط و تملک، از نظر غربی جدا نیست واز بیکن تا سارتر ادامه دارد. از نظر بیکن فلسفه صرفاً بحث نظری نیست و علم باید ما را به قدرت و تملک و تصرف برساند. از نظر دکارت این نوع تصرف و تملک از طریق طرح ریاضی عالم ممکن است (باید توجه شود که مدار این طرح ریاضی صرف استفاده از ریاضیات نیست).

اصولاً تفکر مدرن، روان شناسی تملک و تصرف را صورت خاصی بخشیده است و این نوعی تفکر و نگاه به موجودات است. موجود باید به تملک درآید و گویی استحقاق این موجود به تملک در آمدن است (داوری، 1390، ص 28).

با توجه به آن چه گفته شد ویژگی های مدرنیته را به عنوان یک عالم و افق تاریخی چنین می توان برشمرد:

1- بشرانگاری<sup>1</sup> و اومانیسم

2- تاکید و تکیه بر عقل جزوی<sup>2</sup> نفسانیت مدار استیلا جو (عقل مدرن)

3- فلسفه تاریخ خطی (اعتقاد به اصل پیدایش)

4- اصالت علم جدید

---

1 Humanism

2 Rationalism

- 5- جداکردن اخلاق از تاریخ عالم
- 6- تکنولوژی جدید و نظام تکنوکراسی<sup>۱</sup>
- 7- سکولاریزم<sup>۲</sup> و سکولاریزه کردن امور
- 8- بوروکراسی پیچیده‌ی مدرن
- 9- نیهیلیسم<sup>۳</sup> به عنوان صفت ذات
- 10- اعتقاد به قانون گذاری توسط عقل جزوی بشری و حق حاکمیت بشری
- 11- سرمایه سالاری<sup>۴</sup>.

هایدگر<sup>۵</sup> در مقاله‌ی معروف **عصر تصویر جهان** مقومات عالم مدرن را چنین بر می‌شمارد:

از پدیده‌های ذاتی عصر مدرن، علم آن است و پدیده‌ی دوم که اهمیت آن کمتر از علم نیست، تکنولوژی ماشینی است. سومین پدیده، تقلیل هنر به زیبایی شناسی است. یعنی اثر هنری به موضوع تجربه‌ی ذهنی صرف بدل شده و در نتیجه هنر تجلی زندگی بشر به شمار آمده است. چهارمین پدیده‌ی مدرن، محصولات بشری را والاترین ارزش‌ها دیدن است که این به سبب آن است که فرهنگ را مشخصه‌ی فعالیت انسان دیده اند، پنجمین پدیده‌ی عصر مدرن، فقدان خدایان (خدازدایی) است. این اصطلاح البته به معنای الحاد نیست و دنیای مدرن خلاء ناشی از این رخداد را با تحقیقات تاریخنگاران و روانشناسانه درباره‌ی اسطوره پر می‌کند (هایدگر، 1386، ص 1-3).

---

1 Technocrat  
2 Secularism  
3 Nihilism  
4 liberalism  
5 Heidegger

## 2.5 علوم اجتماعی مدرن

در بررسی مراحل و سیر تاریخی مدرنیته که تفصیل آن در فصل سوم خواهد آمد شکل‌گیری علوم اجتماعی به ابتدای قرن نوزدهم توسط آگوست کنت جامعه‌شناس فرانسوی باز می‌گردد که در ابتدا قصد نام نهادن فیزیک اجتماعی بر این رشته را داشت که به دلیل کاربرد این اصطلاح توسط آدولف کتله، از کاربرد آن پرهیز کرد. اصولاً فضای اجتماعی شکل‌گیری علوم انسانی به طور عام و جامعه‌شناسی به طور خاص، زمان تثبیت عینی و نهادی تفکر مدرن با تمام ابعاد و ویژگی‌های آن بوده است دلیل این مساله را به طور کامل در فصل سوم و چهارم بررسی خواهیم کرد. فضای غالب اولیه‌ی حاکم بر دانشمندان پرسش حول این سوال بوده است که چه شد که مدرنیته در غرب به وقوع پیوست اما در دیگر جوامع به وقوع نپیوست؟

پاسخ این گونه سوالات تحت تاثیر فلسفه‌های تاریخ مطلق‌گرای دوره‌ی روشنگری که تاریخ تجدد را همزمان پایان و آغاز تاریخ به نحو تناقض‌آمیزی می دانستند، قرار داشت.

سیدمن<sup>1</sup> در این باره معتقد است: «نظریه‌ی اجتماعی مدرن از همان ابتدا هدفی متعالی پیش رو داشته است: افزودن بر آزادی‌های آدمی، اگر موقعیت بشر را واقعیتی اجتماعی در نظر بگیریم، علوم اجتماعی در انتظار روزی بودند که جوامع بشری بتوانند به شکل عقلانی سرنوشت خود را تعیین کنند. ایمان به این که علم می‌تواند به ساختن جهانی بهتر کمک کند در کنه نظریه‌ی اجتماعی مدرن جای دارد. عالمان علوم اجتماعی در کسوت مریبان عامه‌ی مردم وارد صحنه شدند، معلمانی که وظیفه‌ی اصلی‌شان آگاهی بخشیدن به عموم بود. آن‌ها قصد داشتند به هنگام جست و جوی حقیقت، خطرات اجتماعی تهدید کننده‌ی آزادی را مشخص و دورنمای

---

1 Seidman

پیشرفت را ترسیم کنند. پیشگامان علوم اجتماعی، متفکرانی هم چون منتسکیو<sup>۱</sup>، کندرسه<sup>۲</sup>، مارکس<sup>۳</sup>، کنت<sup>۴</sup>، وبر<sup>۵</sup>، شارلوت پرکنیزگیلمان<sup>۶</sup>، و و.ا. ب. دوبویس<sup>۷</sup>، روش‌هایی نو و خلاقانه برای فهم منشأ و معنای جهان اجتماعی پدید آورند. آرای آنان به مسایلی باز می‌گشت که اهمیت اخلاقی و سیاسی قابل توجهی داشتند، مانند منشأ نابرابری، خطر دیوان سالاری برای آزادی، وضعیت سیاهان در جامعه و بهره‌کشی از زنان .

بنیان‌گذاران علوم اجتماعی از آن رو به دانش ارج می‌نهادند که آن را وسیله‌ی پیشرفت اجتماعی می‌دانستند» (سیدمن، 1388، ص 13).

## 6.2 روش‌شناسی علوم اجتماعی مدرن

در یک نگاه اولیه منظور شناخت روش‌هایی است که هر کدام از پارادایم‌ها و مکاتب جامعه‌شناختی در جهت شناخت پدیده‌ها و واقعیات موجود در جامعه تجویز می‌کنند (امین پور ، 1390، ص 34).

روش‌شناسی علوم اجتماعی مدرن یعنی علوم اجتماعی که در ذیل تاریخ مدرنیته از آغاز تاکنون شکل گرفته‌اند، چه روش‌هایی را در مطالعه جامعه برای بررسی اجتماعی به کار می‌برند.

در یک تقسیم بندی اولیه می‌توان پارادایم‌های علوم انسانی را به چهار دسته‌ی اثباتی ، هرمنوتیک، انتقادی و رئالیسم انتقادی طبقه‌بندی کرد که این پارادایم‌ها به ترتیب از روش‌های

---

1 Montesquieu

2 Condorcet

3 Marx

4 Comte

5 Weber

6 Charlotte Perkins Gilman

7 DuBois

تبیین، تفسیر، تفسیر با رویکرد انتقاد و ترکیب تبیین و تفسیر در روش شناسی بنیادین استفاده می کنند.

## 7.2 منظور از بررسی انتقادی ظرفیت روش شناسی های علوم اجتماعی

### مدرن

نقد<sup>1</sup> در لغت به معنی ((بهین چیزی برگزیدن)) و نظر کردن در دراهم است تا در آن به قول اهل لغت سره را از ناسره باز شناسد. معنی عیب جویی نیز که از لوازم ((به گزینی)) است ظاهراً هم از قدیم در اصل کلمه نقد مستتر بوده است و لذا از دیر باز این کلمه در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته است، چنانکه آن لفظی هم که امروز در فرهنگ اروپایی جهت این معنی به کار می رود در اصل به معنی رای زدن و داوری کردن است و شک نیست که رای زدن و داوری کردن درباره ی نیک و بد امور و سره و ناسره ی آنها مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است (زرین کوب، ۲۲، ص ۱۳۷۲).

معنی انتقاد عبارت است از اعمال قضاوتی منفی که بویژه در مورد شیوه های سلوک، ادبیات یا محصولات فرهنگی بطور عام صورت می گیرد.

در این رساله انتقاد ما و بررسی ما نوعی انتقاد تحلیلی نیست زیرا با تعاریف و خاستگاه های مدرنیته در فصل سوم و تاثیر این خاستگاه ها در تکوین علوم اجتماعی مدرن و با ارایه ی الزامات اولیه جامعه شناسی دینی قدر مشترکی باقی نخواهد ماند تا بحث از رویکرد تحلیلی شود به عبارت دیگر پرسش ما از روش ماهیتی فلسفی و انتولوژیک دارد و امکان این پرسش تنها در وجود و هستی انقلاب اسلامی مطرح است به عبارت دیگر غرض از انتقاد، کشف مفروضات

مستتر و بر ملا کردن بطلان دعاوی حجیت مفروضات عالم مدرن و جامعه شناسی و روش‌های آن ذیل این موضوع می‌باشد.

## 8.2 الزامات جامعه‌شناسی دینی و چیستی اولیه‌ی آن

در این رساله بیشتر هدف معرفی نوعی ویژگی‌های منفی و سلبی نسبت به جامعه‌شناسی دینی است که از طریق نوعی بازخوانی مدرنیته با رویکردی مستقل است توضیح آن که غرب‌شناسی گاهی از نگاه و منظر غربیان و به طور خاص پارادایم‌های جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد که این نوع نگاه خاص عقلانیت غربی که رویکرد انتقادی از مقومات ذاتی آن می‌باشد، است و غربیان در هر دوره به تبع مسایل تمدنی خود به حل چالش‌های خود می‌پردازند، این نوع غرب‌شناسی خاص غربیان است و امکان طرح مسایل دینی به علت خاستگاه‌های مدرنیته در آن نمی‌باشد، این نوع غرب‌شناسی مدنظر ما نمی‌باشد بلکه آن نوع غرب‌شناسی مدنظر است که ماهیت مستقل داشته باشد به عبارت دیگر ما به دنبال ایجاد مبنایی مستقل در شناخت غرب هستیم که بتواند غرب را به عنوان یک تمدن متمایز و خاص در کلیت خودش بشناسد. در واقع این نوع غرب‌شناسی بایسته‌ی ما از غرب و شرط تداوم و بقای انقلاب اسلامی است.

در «جامعه‌شناسی دینی»، مقصود آن است که دین که حیاتی پویا دارد، ساختار درونی جامعه‌شناسی به عنوان یک علم را تکون ببخشد و نوع خاصی از علم جامعه‌شناسی را تأسیس نماید که به سبب خصوصیات ماهوی و ذاتی‌اش، با جامعه‌شناسی سکولار متفاوت است. جامعه‌شناسی دینی با جامعه‌شناسی دین<sup>1</sup> به عنوان یکی از حوزه‌های جامعه‌شناسی متفاوت است به عبارت دیگر جامعه‌شناسی دین به معنی آن است که دین به مثابه‌ی موضوع و متعلق مطالعه‌ی علم «جامعه‌شناسی» قرار بگیرد. در این صورت، جامعه‌شناسی دین یکی از مسئله‌های

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

حوزه‌ی «جامعه‌شناسی» خواهد بود. مقصود ما جامعه‌شناسی دینی چنین امری نیست؛ چرا که این صورت از علم، محقق و موجود است و گام برداشتن در راستای آن تحصیل حاصل است. بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک و متأخر غربی، با تکیه بر پارادایم‌ها و چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی دین، به مطالعه و تحلیل «دین» پرداخته و در باب آن بسیار سخن گفته و نوشته‌اند.